

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پردیس دانشگاهی

حقوق خصوصی

بررسی صلاحیت دادگاه خانواده با نگاهی به سیر تاریخی آن

از:

ترانه شعبانیان

استاد راهنما:

دکتر عباداله رستمی

استاد مشاور:

دکتر رضا مقصودی

اسفند ۱۳۹۳

تقدیم ہے:

تقدیم ہے دو کوہر از شمنند زندگیم، پدر و مادر مهربانم، آہناکہ لحظہ لحظہ زندگیم وہمہ موفقیت ہایم را مدیون محبت بی کرانشان، ہستم، آہناکہ زحمت و محبت ہای پاک و بی دریغشان را نمی توانم جبران کنم۔ بہ پاس این دیای عشق و فداکاری، این تحقیق را بہ وجود مقدسشان تقدیم می کنم و تقدیم بہ کسانیکہ کہ دوستشان دارم۔

شکر و قدرانی:

بدین وسیله از زحمات و راهنمایی های استاد ارجمند جناب آقای دکتر عبداله رستمی که در تمام مراحل انجام پایان نامه مرایاری کردن کمال شکر و

قدردانی را دارم. همچنین از جناب آقای دکتر رضا مقصودی سپاس و قدردانی می نمایم.

از مدیر محترم گروه حقوق و نایبانه تحصیلات تکمیلی نیز شکر و قدردانی می نمایم.

## فهرست مطالب

ز	چکیده
۱	مقدمه
۲	سوالات تحقیق
۲	فرضیات تحقیق
۲	ضرورت و اهمیت تحقیق
۳	روش تحقیق
۳	تقسیم مطالب و چارچوب کلی
	فصل اول: کلیات، مفاهیم و پیشینه تاریخی
۵	۱-۱ مفاهیم
۵	۱-۱-۱ خانواده
۵	۱-۱-۲ دادگاه خانواده
۵	۱-۱-۳ دادگاه اختصاصی
۵	۱-۱-۴ صلاحیت
۶	۱-۱-۵ انواع صلاحیت
۶	۱-۱-۵-۱ صلاحیت ذاتی
۶	۱-۱-۵-۲ صلاحیت محلی
۷	۱-۲ پیشینه قانونی راجع به خانواده
۷	۱-۲-۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸
۷	۱-۲-۲ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰/۵/۲۳
۷	۱-۲-۳ قانون راجع به انکار زوجیت مصوب ۱۳۱۱/۲/۲۰
۸	۱-۲-۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸/۶/۲۵
۸	۱-۲-۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶/۴/۱۱
۸	۱-۲-۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵
۹	۱-۲-۷ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸/۷/۱
۱۰	۱-۲-۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲
۱۰	۱-۲-۹ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۲۱
۱۰	۱-۲-۱۰ قانون اختصاص تعدادی از دادگاه های موجود به دادگاه های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی دادگاه خانواده مصوب ۱۳۷۶
۱۰	۱-۲-۱۱ قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹

- ۱۱-۲-۱ قانون احیای داد سراها مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ ..... ۱۱
- ۱۱-۲-۱ قانون جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ ..... ۱۱
- ۱۱-۳-۱ مفهوم آیین دادرسی در دادگاه خانواده ..... ۱۱
- ۱۱-۳-۱ - تعریف آیین دادرسی ..... ۱۱
- ۱۳-۳-۱ آیین دادرسی خانواده ..... ۱۳
- ۱۳-۴-۱ پیشینه مقررات شکلی خانواده در ایران ..... ۱۳
- ۱۴-۴-۱ مقررات شکلی خانواده تا سال ۱۳۵۸ ..... ۱۴
- ۱۴-۴-۱-۱ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰ ..... ۱۴
- ۱۴-۴-۱-۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ ..... ۱۴
- ۱۵-۴-۱-۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ ..... ۱۵
- ۱۷-۴-۱-۲ مقررات شکلی خانواده پس از سال ۱۳۵۸ ..... ۱۷
- ۱۷-۴-۱-۲-۱ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص مصوب اول مهر ماه ۱۳۵۸ ..... ۱۷
- ۱۸-۴-۱-۲ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام ..... ۱۸
- ۱۹-۴-۱-۳ قانون جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ..... ۱۹
- فصل دوم: انواع مراجع قضایی از حیث صلاحیت
- ۲۵-۱-۲ صلاحیت مراجع قضایی ..... ۲۵
- ۲۵-۱-۲-۱ صلاحیت شورای حل اختلاف در رسیدگی به دعاوی خانوادگی ..... ۲۵
- ۲۷-۱-۲-۲ مراکز مشاوره خانواده ..... ۲۷
- ۲۸-۱-۲-۳ مراجع ثبتی ..... ۲۸
- ۲۸-۱-۲-۳-۱ دفترخانه ازدواج به عنوان مرجع صدور اجرائیه ..... ۲۸
- ۳۰-۱-۲-۳-۲ دفتر خانه اسناد رسمی به عنوان مرجع صدور اجرائیه : ..... ۳۰
- ۳۱-۱-۲-۳-۳ اجرای ثبت ..... ۳۱
- ۳۱-۲-۲ داوری در دعاوی خانوادگی ..... ۳۱
- ۳۱-۲-۲-۱ تعریف داوری و اهمیت داوری خانواده ..... ۳۱
- ۳۳-۲-۲-۲ داوری در حقوق خانواده و آیین دادرسی مدنی ..... ۳۳
- ۳۵-۲-۲-۳ انتخاب و شرایط داوران در دادگاه خانواده ..... ۳۵
- ۳۵-۲-۲-۴ نحوه انتخاب داوران ..... ۳۵
- ۳۶-۲-۲-۵ شرایط انتخاب داوران ..... ۳۶
- فصل سوم: صلاحیت دادگاه خانواده
- ۴۰-۱-۳ ترکیب دادگاه خانواده ..... ۴۰

- ۳-۱-۱ قضات دادگاه خانواده ..... ۴۰
- ۳-۱-۲ قاضی مشاور زن ..... ۴۱
- ۳-۲ صلاحیت دادگاه ها ..... ۴۱
- ۳-۳ صلاحیت ذاتی دادگاه خانواده ..... ۴۳
- ۳-۴ صلاحیت دادگاه خانواده در رسیدگی به سایر دعاوی ..... ۴۶
- ۳-۴-۱ صلاحیت دادگاه خانواده در رسیدگی به دعاوی حقوقی ..... ۴۶
- ۳-۴-۲ صلاحیت دادگاه خانواده در رسیدگی به شکایات کیفری ..... ۴۸
- ۳-۵ قلمرو صلاحیت دادگاه خانواده ..... ۴۹
- ۳-۵-۱ دعاوی مرتبط با نفقه ..... ۴۹
- ۳-۵-۱-۱ نفقه جنین ..... ۵۰
- ۳-۵-۱-۲ تأمین هزینه های حمل نامشروع ..... ۵۱
- ۳-۵-۳ هزینه زایمان ..... ۵۲
- ۳-۶ صلاحیت محلی دادگاه خانواده ..... ۵۳
- ۳-۶-۱ استثنائات وارد بر اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده ..... ۵۴
- ۳-۶-۲ مفهوم اقامتگاه و آثار آن ..... ۵۴
- ۳-۶-۳ ارتباط دعاوی خانوادگی با دادگاه های چند حوزه قضایی ..... ۵۶
- ۳-۶-۳-۱ دعاوی خانوادگی مرتبط با مال ..... ۵۷
- ۳-۶-۳-۲ دعاوی مرتبط با جهیزیه ..... ۵۹
- ۳-۷ رسیدگی توأمان به دعاوی خانوادگی مرتبط با دادگاه های مختلف ..... ۶۰
- ۳-۷-۱ جهات رسیدگی توأمان در دعاوی خانوادگی ..... ۶۱
- ۳-۷-۲ دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی مرتبط ..... ۶۲
- ۳-۸ صلاحیت دادگاه خانواده بر اساس قانون جدید ..... ۶۳
- ۳-۸-۱ صلاحیت ذاتی ..... ۶۳
- ۳-۸-۱-۱ نامزدی و خسارت ناشی از بر هم زدن آن ..... ۶۵
- ۳-۸-۱-۲ نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح ..... ۶۵
- ۳-۸-۱-۳ شروط ضمن عقد نکاح ..... ۶۶
- ۳-۸-۴ ازدواج مجدد ..... ۶۷
- ۳-۸-۵ جهیزیه ..... ۶۷
- ۳-۸-۶ مهریه ..... ۶۸
- ۳-۸-۷ نفقه زوجه و اجرت المثل ایام زوجیت ..... ۶۹

۷۰	..... ۸-۱-۸-۳ تمکین و نشوز
۷۰	..... ۹-۱-۸-۳ طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن
۷۰	..... ۱۰-۱-۸-۳ حضانت و ملاقات
۷۱	..... ۱۱-۱-۸-۳ نسب
۷۲	..... ۱۲-۱-۸-۳ رشد، حجر و رفع آن
۷۲	..... ۱۳-۱-۸-۳ ولایت قهری، قیومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آنان
۷۳	..... ۱۴-۱-۸-۳ نفقه اقارب
۷۳	..... ۱۵-۱-۸-۳ امور راجع به غایب مفقود الاثر
۷۴	..... ۱۶-۱-۸-۳ سرپرستی کودکان بی سرپرست
۷۵	..... ۱۷-۱-۸-۳ اهدای جنین
۷۶	..... ۱۸-۱-۸-۳ تغییر جنسیت
۷۶	..... ۲-۸-۳ صلاحیت نسبی
۷۹	..... نتیجه گیری
۸۰	..... پیشنهادات:
۸۱	..... منابع



بررسی صلاحیت دادگاه خانواده با نگاهی به سیر تاریخی آن

ترانه شعبانیان

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی رسیدگی به دعاوی خانوادگی در صلاحیت دادگاه حمایت خانواده بود که یکی از شعب دادگاه شهرستان به حساب می آمد و براساس لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۵۸ این دعاوی در صلاحیت دادگاه مدنی خاص قرار گرفت که بعد از تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳ کنار گذاشته شد. در سال ۷۶ قانون اختصاص تعدادی از دادگاه های موجود به دادگاه های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی دادگاه خانواده رسیدگی به دعاوی خانوادگی را در صلاحیت دادگاه خانواده قرار داد. با تصویب قانون جدید حمایت خانواده تحولاتی در زمینه رسیدگی به دعاوی خانوادگی به وجود آمد. با عنایت به سیر تاریخی قوانین مزبور ملاحظه می شود که مقنن همواره جایگاه خاصی را برای خانواده و تبیین چنین مرجع و آیین دادرسی ویژه برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی قائل شده است و تسهیلاتی خاص برای رسیدگی به این دعاوی به خصوص برای زوجه در نظر گرفته شده است.

**واژگان کلیدی:** خانواده، دادگاه خانواده، دادگاه اختصاصی، صلاحیت، صلاحیت ذاتی و محلی

## Abstract

### **The study of qualification of the family court: In view of historical process**

**Taraneh Shabanian**

Before Iran islamic revolution, the family court, a branch of municipal court, were qualified to adjudicate the familial claims. Based on the legal bill of civil law courts approved in 1980, these were referred to civil law courts; but, since 1995, the responsibility for scurtiny of the disputes were given back and were added to the tasks of common and Enghelab law courts. In 1998, family courts were qualified to decide matters and make orders in relation to family law in accordance to the law, which few present law courts were gone under supervision of the courts subjected for article 21 of the constitution law based on. By approval of the novel law for protection of family, an evolution is occurred in adjudicating the familial disputes. Regarding the historical alterations in the law, it is well established that the legislative has fueled specific focus on the trial regulations and has leaved "family" at the centerpoint of issue the decisions. Furthermore, specific facilities for cassation of the mentioned disputes, especially, in relation to the wife rights in domestic area are prepared.

**Keywords:** Family, Family court, Specific court, Qualification, Intrinsic and circuit qualification

## مقدمه

با توجه به اهمیت خانواده و دعاوی مرتبط با آن ضرورت ایجاد دادگاه هایی که به طور اختصاصی به این گونه دعاوی رسیدگی نماید در بسیاری از کشور های جهان احساس شده است، دادگاه هایی که بدون رعایت تشریفات خاص با قضاتی با تجربه و متخصص بتوانند سعی در حفظ کیان خانواده داشته باشند. این امر از دیرباز مورد توجه قانون گذار ایران نیز قرار گرفته است. نگاهی به سیر تاریخی تحولات قانونگذاری در ایران مبین همین مساله می باشد.

خانواده کوچکترین در عین حال مهم ترین واحد اجتماعی می باشد که باعث تولید نسل می شود. از آنجا که خانواده نقش محوری در جامعه دارد قانون گذار همواره در پی تصویب قوانینی بوده که تا حد امکان از گسسته شدن این نهاد جلوگیری نماید و مشکلات احتمالی را به بهترین وجه حل و فصل کند. بدین منظور قوانین حمایت خانواده در سال ۱۳۴۶ و متعاقباً در سال ۱۳۵۳ به تصویب رسید. قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ با اعطای صلاحیت به دادگاه شهرستان جهت رسیدگی به دعاوی خانوادگی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی در واقع نوعی دادگاه خانواده را تاسیس نمود. در سال ۱۳۵۳ قانون حمایت خانواده دیگری به تصویب رسید که تا زمان ایجاد دادگاه های مدنی خاص حاکم بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ دادگاه مدنی خاص که از مجتهد جامع الشرایط یا فرد منصوب از سوی او و یک یا دو مشاور حقوق دان تشکیل می شد پایه گذاری گردید. در این قانون صلاحیت دادگاه، نحوه رسیدگی، صدور رای و مرجع تجدیدنظر آرای دادگاه مدنی خاص معین شد. دادگاه مدنی خاص ابتدا در تهران و به تدریج در شهرستان ها تشکیل گردید. در سال ۱۳۷۳ با قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ دادگاه های عمومی جانشین دادگاه های موجود از جمله دادگاه های مدنی خاص شد و صلاحیت رسیدگی به همه دعاوی از جمله دعاوی خانوادگی را داشت اما در امور خانوادگی مقید به رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نبود و در زمان رسیدگی به دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق اجازه مخصوص رئیس قوه قضائیه را نیاز داشت. واگذاری این وظیفه به دادگاه های عمومی موضوع قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و رسیدگی هم زمان این دادگاه ها به انواع جرایم و دعاوی خصوصی در کنار دعاوی خانوادگی مانند طلاق، نفقه موجب گردید مشکلات عدیده ای را ایجاد نماید. بعد از آن با توجه به اصل ۲۱ قانون اساسی که « ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده » پیش بینی کرده است، در سال ۷۶ به نوعی دادگاه خانواده برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی ایجاد شد.

سرانجام در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱ قانون حمایت خانواده جدید تصویب گردید. دادگاه خانواده به اموری که در قانون تصریح شده رسیدگی می نماید، اموری که دادگاه های عمومی حق رسیدگی به آن را ندارند زیرا دادگاه های خانواده دارای صلاحیت ذاتی نسبت به دادگاه های عمومی هستند، صلاحیتی که در ارتباط با نظم عمومی می باشد که براساس آن طرفین دعوا نمی توانند بر خلاف آن توافق کنند و تخطی از آن سبب ابطال عملیات دادگاه می شود.

از نقطه نظر صلاحیت محلی دادگاه خانواده در واقع استثنائی برای صلاحیت محلی در آیین دادرسی مدنی است چرا که در آیین دادرسی مدنی اصل بر صلاحیت محل اقامت خوانده می باشد مگر در مورد اموال غیرمنقول که دادگاه محل وقوع ملک ملاک قرار می گیرد. در ماده ۱۲ قانون جدید حمایت خانواده مصوب ۹۱ به زوجه اجازه داده شده که دعاوی خود را علاوه بر دادگاه محل اقامت خوانده در دادگاه محل سکونت خود نیز اقامه کند مگر مطالبه مهریه غیر منقول را خواستار باشد.

قانون جدید حمایت خانواده دارای نوآوری هایی نسبت به قوانین سابق می باشد از جمله الزام به ثبت نکاح موقت در مواردی خاص، مباحثی نظیر اهدای جنین، تغییر جنسیت، احداث مراکز مشاوره خانوادگی، تعیین سقف مهریه برای محکومیت کیفری، الزامی بودن حضور قاضی مشاور زن و ... . قانون جدید حمایت خانواده با در نظر گرفتن موارد ذکر شده با هدف کاهش مشکلات موجود در قواعد شکلی حقوق خانواده و حمایت از بنیان خانواده تصویب شده است.

### سوالات تحقیق:

- ۱- دادگاه خانواده دادگاه عمومی است یا اختصاصی؟
- ۲- آیا امکان طرح دعاوی طاری در دعاوی مطروحه در دادگاه خانواده وجود دارد؟
- ۳- نقش قاضی مشاور زن در دادگاه خانواده چیست؟

### فروضیات تحقیق:

- ۱- دادگاه خانواده از مراجع اختصاصی می باشد.
- ۲- امکان طرح دعاوی طاری در دادگاه خانواده وجود دارد.
- ۳- با توجه به سیر تحولات در قوانین مربوط به دعاوی خانوادگی، حضور قاضی مشاور زن در دادگاه خانواده الزامی است اما همچنان نقش مشورتی دارند.

### ضرورت و اهمیت تحقیق:

با توجه به اینکه صلاحیت دادگاهها بطور خاص در کتب دادرسی بحث و بررسی می شود بخصوص در دعاوی حقوقی که بحث صلاحیت در آیین دادرسی مدنی مطرح است و صلاحیت در دادگاهها در زمره قواعد آمره محسوب می شود یعنی تراضی برخلاف آن ممکن نمی باشد. از جمله تشکیلات قضایی در سیستم حقوقی ایران، دادگاه خانواده می باشد که صلاحیت و قواعد خاص خود را دارد و نشانگر این واقعیت است که تخصصی شدن امور قضایی در دنیای کنونی یک ضرورت است. با توجه به اینکه در کتابهای آیین دادرسی مدنی بطور تخصصی راجع به صلاحیت دادگاه خانواده صحبت مفصلی به میان نیامده است. لذا در این تحقیق سعی شده بطور تخصصی راجع به صلاحیت دادگاه خانواده و سیر تاریخی آن بحث و بررسی شود.

## روش تحقیق:

روش تحقیقی که در این پایان نامه استفاده شده، روش تحقیق تحلیلی و روش کتابخانه ای است. در این جا در پی تجزیه و تحلیل که از مطالعه کتاب ها، مقالات، مجله ها، اینترنت و سایر منابع به دست می آید و با عنایت به این که موضوع پژوهش حاضر در حقوق داخلی ما با توجه به تصویب قانون جدید حمایت خانواده دارای سوابق مطالعاتی قابل ملاحظه ای نمی باشد و نتیجتاً از بعد منابع تحقیق، تنها در مورد بخش های کوچکی از این تحقیق منابعی به طور پراکنده یافت می شود که عمده این منابع با مراجعه به منابع داخلی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته اند، همچنین از بعضی از سایت های متعدد اینترنتی نیز مطالبی راجع موضوع صلاحیت دادگاه خانواده استخراج و در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

## تقسیم مطالب و چارچوب کلی

این پایان نامه در سه فصل به بررسی صلاحیت دادگاه خانواده با توجه به تحولات صورت گرفته در ادوار مختلف زمانی می پردازد. در فصل اول کلیات، مفاهیم و پیشینه تاریخی قوانین خانواده و در فصل دوم صلاحیت مراجع قضایی مانند شورای حل اختلاف، مراجع ثبتی، مراکز مشاوره و نهاد دآوری در دعاوی خانواده و در آیین دادرسی مدنی مورد بررسی قرار گرفته است و در فصل سوم صلاحیت دادگاه خانواده به طور جزئی، دعاوی مرتبط با دعاوی خانواده، شرایط قضات و نقش قاضی مشاور زن به عنوان یک نهاد تازه تاسیس در قانون جدید حمایت خانواده مورد بررسی قرار می گیرد.

# فصل اول

## کلیات

### مفاهیم و پیشینه تاریخی

## ۱-۱-۱ مفاهیم

### ۱-۱-۱ خانواده

خانواده در لغت به معنی مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی می کنند، مجموعه خویشاوندان، اهل خانه، زن و فرزند، فامیل، دودمان ( عمید، ۱۳۵۴: ۴۱۸ )

خانواده از لحاظ جامعه شناختی، نخستین نهاد اجتماعی است که در زندگی جمعی انسان شکل گرفته و مهم ترین نقش را در توسعه جامعه داشته است. نظام خانواده یک نهاد اساسی و محوری در جامعه می باشد و به عنوان هسته اولیه برای سایر نهاد های اجتماعی می باشد، کوچکترین واحد اجتماعی است که اساس و زیر ساخت دیگر واحد های اجتماعی به شمار می رود.

خانواده در قانون مدنی، به دو معنی گسترده و خاص به کار رفته است. خانواده به مفهوم گسترده خود « گروهی از اشخاص است که به دلیل ازدواج یا نسب با هم پیوند دارند» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۴)

خانواده در معنای خاص، « یک واحد حقوقی است که لااقل از یک زن و یک مرد که بین آنها رابطه زوجیت وجود پیدا کرده ناشی می شود.» ( جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۵۶ )

### ۱-۱-۲ دادگاه خانواده

به منظور رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی قوه قضائیه موظف است در کلیه حوزه های قضایی شهرستان به تعداد کافی شعبه دادگاه خانواده تشکیل دهد.

### ۱-۱-۳ دادگاه اختصاصی

«دادگاهی که صلاحیت آن جنبه استثنا بر صلاحیت دادگاه های عمومی را داشته باشد و موارد صلاحیت آن را قانون باید به قید حصر و با ذکر عناوین بیان کند.» ( جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۷۵ ).

مفهوم مراجع اختصاصی در مقابل مراجع عمومی که صلاحیت رسیدگی به تمامی دعاوی را دارند مگر آنچه که قانون استثنا نموده است، نشان دهنده این می باشد که این مراجع تنها صلاحیت رسیدگی به اموری را دارند که قانون گذار به طور صریح مشخص نموده است.

### ۱-۱-۴ صلاحیت

صلاحیت در لغت به معنای شایستگی، سزاواری، اهلیت می باشد و در معنای اصطلاحی، «صلاحیت عبارت است از توانایی و الزامی است که مراجع قضایی هنگام رسیدگی به دعاوی، به موجب قانون دارند.» ( مدنی، ۱۳۶۸: ۲۸۹ ). بنابراین دادگاه ها فقط

نسبت به دعاوی که قانون اختیار رسیدگی به آن ها را داده است صلاحیت دارند و نسبت به دعوایی که قانون چنین اختیاری را نداده است غیر صالح می باشند.

#### ۱-۱-۵ انواع صلاحیت

مطابق قانون صلاحیت به دو قسم صلاحیت ذاتی و صلاحیت محلی (نسبی) تقسیم می شود.

#### ۱-۱-۵-۱ صلاحیت ذاتی

صلاحیت مراجع قضایی با توجه به صنف، نوع و درجه آن ها، در رسیدگی به دعاوی و صدور رای، به حکم قانون است.

هدف از برقراری صلاحیت ذاتی تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی می باشد. در موضوع صلاحیت ذاتی سه مشخصه قابل توجه است: صنف، نوع و درجه. یعنی قانون گذار ما مراجع رسیدگی را بر اساس این سه مشخصه تقسیم نموده است.

صنف در صلاحیت ذاتی یعنی تشخیص اینکه موضوع مطروحه قضایی است یا اداری. نوع در صلاحیت ذاتی یعنی تشخیص اختصاصی یا عمومی بودن مرجع صالح می باشد و درجه یعنی عالی یا تالی بودن مرجع رسیدگی کننده.

قواعد صلاحیت ذاتی، ناظر به سازماندهی دستگاه عمومی (دادگستری) و در جهت اداره هر چه شایسته تر آن است. در نتیجه قواعد مزبور، مربوط به نفع عمومی بوده و بنابراین از قواعد آمره شمرده شده و مردم نمی توانند، حتی با توافق، از آن عدول نمایند. (شمس، ۱۳۸۷: ۱۵۹)

#### ۱-۱-۵-۲ صلاحیت محلی

«اختیار یک دادگاه معین است نسبت به دادگاه معین دیگر که از حیث نوع و صنف و درجه شبیه یکدیگرند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۰۷)

صلاحیت محلی (نسبی) آنجایی است که از میان دادگاه هایی که دارای صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به آن دعوا هستند، شایستگی دادگاه را از حیث قلمرو جغرافیایی و محلی مشخص می نماییم.

صلاحیت محلی به منظور تقسیم دعاوی یا به عبارت دیگر تقسیم کار در بین دادگاه های صالح از حیث صلاحیت ذاتی صورت می پذیرد. به طور مثال همه دادگاه های عمومی حقوقی صالح به رسیدگی به دعاوی الزام به تنظیم سند رسمی می باشند، قانون گذار به منظور تقسیم پرونده ها بین دادگاه هایی که در نقاط جغرافیایی مختلف قرار گرفته اند و برای جلوگیری از تمرکز دعاوی در یک نقطه خاص اقدام به تعیین صلاحیت محلی نموده است.



## ۲-۱ پیشینه قانونی راجع به خانواده

اهمیت خانواده و حفظ کیان آن، همواره مورد توجه کشورهای مختلف بوده است، بدین منظور به تشکیل دادگاه های اختصاصی برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی مبادرت نموده اند.

در ایران نیز این مهم همواره مورد توجه قانونگذار بوده است. تشکیل دادگاه های خاص خانواده از سال ۱۳۱۰ آغاز و تا کنون تحولات قانونی مختلفی را طی کرده است که در زیر به آن می پردازیم :

### ۱-۲-۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸

قانون مدنی، مجموعه ای از قوانین و مقرراتی است که به اساسی ترین قواعد حاکم بر روابط اشخاص که با یکدیگر در جامعه دارند پرداخته است. از جمله مهم ترین موضوعات و مسائلی که در قانون مدنی به آن ها پرداخته شده است عبارتند از : احوال شخصیه، عقود و قرارداد ها، حقوق خانواده اعم از نکاح و طلاق، اقامتگاه و ...

جلد دوم این قانون که مصوب ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ می باشد مربوط به مبحث اشخاص است و در کتاب هفتم به موضوعات نکاح و طلاق اختصاص داده شده است که مقرراتی ماهوی هستند. پاره ای از قوانین مربوط به نکاح و طلاق اصلاح شده اند یا موادی به آن ها الحاق گردیده است.

### ۱-۲-۲ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰/۵/۲۳

با تصویب قانون فوق الذکر قانونگذار برای اولین بار در جهت اختصاصی نمودن محاکم به منظور رسیدگی به دعاوی خانوادگی اقدام نمود. در ماده ۳ این قانون، ازدواج با کسی که هنوز به سن قانونی نرسیده است جرم شناخته شده و محاکمه این اشخاص را به محاکم اختصاصی که اصول تشکیلات و ترتیب رسیدگی آن به موجب نظام نامه ای معین می شود، ارجاع داده شد. در این قانون به لزوم آیین دادرسی خاص نیز توجه شده بود، اما موضوع صلاحیت صرفاً جنبه کیفری ازدواج کننده، عاقد قرار گرفته بود.

### ۱-۲-۳ قانون راجع به انکار زوجیت مصوب ۱۳۱۱/۲/۲۰

این قانون مشتمل بر ۳ ماده واحده بوده که مطابق مواد آن هر گاه مردی در مقابل دعاوی زن راجع به حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج اعم از صداق، نفقه و غیره انکار زوجیت نماید و بی اساس بودن این انکار معلوم گردد مرد علاوه بر تادیه حقوق مالی به حبس و جزای نقدی محکوم خواهد شد. همچنین اگر زنی بر خلاف واقع ادعای زوجیت و مطالبه حقوق مالی ناشی از ازدواج کرده و خلاف آن ثابت شود نیز به مجازات حبس و جزای نقدی محکوم خواهد شد.

## ۱-۲-۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸/۶/۲۵

مطابق ماده یک این قانون رسیدگی به کلیه دعاوی مدنی راجع به دادگاه های دادگستری است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را معین کرده است.

ماده ۶۷۶ این قانون مقرر می داشت « در مورد اختلاف بین زن و شوهر راجع به سو رفتار و عدم تمکین و نفقه و کسوه و سکنی و نیز هزینه طفلی که در عهده شوهر و در حضانت زن باشد، از طرف هر یک از زوجین که طرح شود، دادگاه ها می توانند به درخواست هر یک از طرفین دعوی را ارجاع به داوری نموده و در صورت عدم تراضی آن ها در تعیین داور لاقبل دو نفر را از بین اقربا طرفین و در صورتی که در محل سکونت خود اقربا نداشته باشند. از اشخاصی که با آن ها معاشرت و دوستی دارند تعیین کند، داورها مکلفند حتی الامکان سعی در اصلاح بین زوجین نموده و در صورتی که قادر به اصلاح نباشند رای خود را در مورد ذی حق بودن یکی از طرفین و تعیین میزان هزینه زن یا طفل در صورتی که موضوع دعوی، هزینه زن باشد به دادگاه تقدیم دارند اگر بین داور ها اتفاق نظر حاصل نشود، آن ها می توانند یک نفر را به عنوان داور ثالث به تراضی انتخاب نمایند و چنانچه در تعیین داور ثالث تراضی نشود، دادگاه به قید قرعه تعیین می نمایند و در این صورت اکثریت آرای آن ها مناط اعتبار است.»

## ۱-۲-۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶/۴/۱۱

این قانون رسیدگی به دعاوی خانوادگی، رسیدگی به دعاوی ناشی از امر زناشویی را به دادگاه های شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد، به دادگاه بخش، بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی سپرد. این قانون نسبت به قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰ به مقررات شکلی بیشتر توجه نمود و تاسیساتی از جمله صدور گواهی عدم امکان سازش و موجبات آن به منظور طلاق، داوری در طلاق، اجازه ازدواج مجدد برای شوهر و... پرداخت.

## ۱-۲-۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵

ماده ۱ این قانون، رسیدگی به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امر زناشویی، دعاوی خانوادگی و امور مربوط به صغار مثل نصب و عزل قیم و ضم امین را به دادگاه های شهرستان و در نقاطی که فاقد دادگاه شهرستان باشد، به دادگاه بخش واگذار نمود. در این قانون نیز رسیدگی به امور مذکور در تمامی مراحل دادرسی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی صورت می گرفت.

در ماده ۲ این قانون مقرر شده بود: «منظور از دعاوی خانوادگی دعاوی مدنی بین هر یک از زن و شوهر و فرزندان و جد پدری و وصی و قیم است که از حقوق و تکالیف مقرر در کتاب هفتم در نکاح و طلاق (از جمله دعاوی مربوط به جهیزیه و مهر زن) و در کتاب هشتم در اولاد و کتاب نهم در خانواده و کتاب دهم در حجر و قیومیت قانون مدنی و همچنین از مواد ۱۰۰۵-۱۰۰۶ ، ۱۰۲۹-۱۰۳۰ قانون مذکور و مواد مربوط در قانون امور حسبی ناشی شده باشد».

در این قانون بر خلاف قانون راجع به ازدواج خانواده صرفاً دعوی مدنی بین زوجین مورد رسیدگی قرار می گرفت اما همچنان در مورد دعوی کیفری بین زوجین، فرزندان و اجداد تشریفات آیین دادرسی رعایت نمی شد.

در این قانون دادگاه مکلف گردید که در صورت تقاضای طرفین امر را به داوری ارجاع دهد. همچنین اختیار دادگاه در پذیرش ادعای اعسار طرفین از پرداخت هزینه دادرسی، انجام تحقیقات به هر نحو مانند استفاده از واحد مدد کاری و تشکیل صندوق حمایت از خانواده از جمله نوآوری های این قانون بود.

### ۱-۲-۷ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸/۷/۱

اولین اقدام قانونگذار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت ضرورت وجود دادگاهی خاص برای رسیدگی به دعوی خانوادگی با تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص صورت گرفت و در ۱۹ ماده به تعیین تشکیلات، موارد داخل در صلاحیت این دادگاه ها و تشریفات رسیدگی پرداخت.

دادگاه مدنی خاص با حضور مجتهد جامع الشرایط یا فرد صالح منصوب از طرف او و یک یا دو مشاور از قضات دادگستری تشکیل می گردد که البته صدور حکم با مجتهد مذکور است و قاضی مشاور در دادگاه نقش مشورتی دارد.

صلاحیت دادگاه مدنی خاص طبق ماده ۳ در رسیدگی به امور ذیل می باشد :

- دعوی راجع به نکاح، طلاق، فسخ نکاح، مهر، نفقه زوجه و سایر اشخاص واجب النفقه و حضانت.
- دعوی راجع به وصیت، وقف، ثلث، حبس، تولیت و وصایت
- نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آن ها
- سایر دعوی حقوقی به تراضی طرفین دعوا و رسیدگی به دعوی مطالبه اجرت المثل زوجه پس از طلاق ( اصلاحی

(۱۳۷۱/۱۲/۱۲)

طبق بند دو ماده ۳ رسیدگی به دعوی راجع به وصیت و وقف در صلاحیت دادگاه مدنی خاص قرار گرفت، بنابراین با توجه به این ماده صلاحیت دادگاه مدنی خاص فراتر از دعوی خانوادگی بود و دعوی مربوط به وقف و وصیت را نیز شامل می شد، هر چند که ممکن بود در این دعوی رابطه خانوادگی وجود نداشته باشد.

در نقاطی که دادگاه مدنی خاص تشکیل نشده بود، دادگاه عمومی به امور داخل در صلاحیت دادگاه مدنی خاص جز اصل نکاح و طلاق رسیدگی می نماید.

تا تصویب قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ این قانون به قوت خود باقی ماند.

### ۱-۲-۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲

اصل ۲۱ قانون اساسی دولت را موظف کرد که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و در این راستا در بند سوم «ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده» را از وظایف دولت قرار داد. با توجه به قانون اساسی، تشکیل چنین دادگاهی به منظور حفظ کیان و بقای خانواده ضروری است.

### ۱-۲-۹ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۲۱

با توجه به قانون فوق الذکر از تاریخ تصویب این قانون زوج هایی که قصد طلاق دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلافات خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه کرده و چنانچه بعد از داوری اختلافات فیما بین حل و فصل نگردد دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد و اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر منوط به تادیه حقوق شرعی و قانونی زوجه به صورت نقدی می باشد. همچنین اجرت المثل و نحله با توجه به وضع مالی زوج در صورت درخواست طلاق از سوی زوج بدون تخلف زن از وظایف خود در نظر گرفته شده است

### ۱-۲-۱۰ قانون اختصاص تعدادی از دادگاه های موجود به دادگاه های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی دادگاه

#### خانواده مصوب ۱۳۷۶

با تصویب این قانون، تعدادی از دادگاه های موجود، به دادگاه های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی در سال ۷۶ اختصاص یافت. مطابق ماده واحده فوق، رئیس قوه قضائیه مکلف شد ظرف مدت ۳ ماه در حوزه های قضایی شهرستان به تناسب جمعیت آن حوزه، حداقل یک شعبه از شعب دادگاه های عمومی را برای رسیدگی به دعاوی خانواده اختصاص دهد و پس از تخصیص این شعب، دادگاه های عمومی، حق رسیدگی به دعاوی مربوط به این دادگاه ها را نداشته باشند. در واقع دادگاه های خانواده همان دادگاه های عمومی بودند که به دعاوی خانوادگی نیز رسیدگی می نمودند.

صلاحیت دادگاه خانواده در ماده واحده در سیزده بند شامل نکاح موقت و دائم، طلاق، فسخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن، مهریه، جهیزیه، اجرت المثل و نحله ایام زوجیت، نفقه معوقه و جاریه زوجه و اقربای واجب النفقه، حضانت و ملاقات اطفال، نسب، نشوز و تمکین، نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها، حکم رشد، ازدواج مجدد و شرایط ضمن عقد احصا شده است.

با توجه به موارد احصا شده در قانون، وقف و وصیت از شمار صلاحیت این محاکم خارج شدند که موضوع مورد تایید است.

### ۱-۲-۱۱ قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹

با تصویب این قانون در سال ۸۲ موضوع اهدا جنین به زوجین نابارور به موارد سیزده گانه داخل در صلاحیت ماده واحده قانون اختصاص تعدادی از دادگاه های موجود به دادگاه های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی اضافه گردید.